

بررسی عوامل موثر در تکرار جرم و بازگشت به زندان

مریم آذری

maryamazari6107@gmail.com

چکیده

مجازات‌ها دارای خصوصیتی هستند که می‌توانند از سویی مجرم را آزار دهند و از جامعه مطرود سازند و از سویی دیگر او را اصلاح کنند یا جامعه را متنبه سازند. تقریباً عمده مردم، مسئولان و کارشناسان بر این عقیده هستند که در نظر گرفتن یک مجازات متناسب می‌تواند تا حد بسیار زیادی بر کاهش جرم و تکرار آن و تنبیه مجرمان تاثیر داشته باشد. این پژوهش به روش مروری کتابخانه‌ای و مطالعه‌ی پژوهش‌های موجود در این زمینه انجام شده است. هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر در تکرار جرم و بازگشت به زندان بود. نتایج این پژوهش می‌توان برای پیشگیری و کاهش تکرار جرم و بازگشت مجدد افراد آزاد شده به زندان، با اجرای اصولی و استاندارد تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در زندانها، بهبود وضعیت اسکان و نگهداری و نوع خدمات دهی موثر به آنها، حذف برچسب رسمی و غیر رسمی از زندانیان آزاد شده، عرضه خدمات موثر و کنترل از طریق مرکز مراقبت بعد از خروج، پذیرش زندانیان آزاد شده در میان خانواده، دوستان و نهادهای رسمی و غیر رسمی و جلوگیری از طرد آنان اقدام موثری انجام داد.

واژه‌های کلیدی: جرم، زندان، طرد اجتماعی، خانواده

۱- مقدمه

هرجا قانون وجود دارد جرم نیز هست. زیرا ساده‌ترین تعریف جرم عبارت است از شیوه رفتاری که قانون را نقض کند [۱]. تارد، جرم را تجاوز به حق و وظیفه می‌داند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی، مخالفت با آداب و سنن اجتماعی را جرم تلقی می‌کنند.

زندان: محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقامات صلاحیت دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم با هدف تحمل کیفر، حرفه‌آموزی، باز پروری و بازسازی نگه داری می‌شوند. این مسئله که هدف از حبس و زندانی نمودن مجرم چیست نیاز به بررسی دارد. آیا زندان باید فقط برای تنبیه کردن مجرم به کار رود تا افرادی که در زندان به سر می‌برند پس از آزادی مرتکب جرم نشوند، یا هدف آن اصلاح و باز پروری و باز اجتماعی کردن مجرم است؟ یا به عبارت دیگر هدف این است که افراد زندانی در مدتی که در زندان هستند اصلاح شوند، و درک کنند که ارتکاب جرم، عملی اشتباه بوده است، و نیز مهارتهایی به آنها آموخته شود تا پس از آزادی یک زندگی توأم با احترام به قانون را برگزینند و مرتکب جرم مجدد نشوند؟ وانگهی وظیفه جامعه در قبال افرادی که از زندان آزاد می‌شوند چیست؟

در اکثر مواقع افرادی که مرتکب بزهکاری و جرم می‌شوند، از حیث کار، تحصیل، تشکیل خانواده و ... فرصت‌های جبران ناپذیری را از دست می‌دهند. وجود چنین سابقه نامطلوبی در زندگی آینده آنها تاثیر زیادی دارد. این قبیل افراد معمولاً از

طرف جامعه، خانواده، دوستان، نهادهای رسمی و غیر رسمی و ... طرد می شوند، و امکان بازگشت آنها به عنوان یک فرد عادی به جامعه با مشکلات عدیده ای مواجه است.

مطالعات و تحقیقات نشان میدهد که خود زندان، برای بسیاری از زندانیان به دلیل تجربیات منفی که از محیط زندان کسب می کنند، بسیار مخرب و ناامید کننده است. زیرا کافی نبودن اقدامات اصلاحی و بازپروری زندانیان به معنای آن است، که آنها به هنگام ترک زندان در مقایسه با زمان ورودشان آمادگی بیشتری برای ارتکاب مجدد جرم دارند [۲]. جامعه بین الملل به ویژه جوامع پیشرفته به این نتیجه رسیده اند که زندان نمی تواند در کاهش جرم و بزهکاری نقش تعیین کننده ای داشته باشد. بارها اعلام شده که در عمل، زندان به مدرسه آموزش جرم تبدیل شده است [۳].

۲- مجازات زندان

اگرچه زندان از گذشته های دور وجود داشته، از قرن ۱۹ به بعد اصلی ترین شکل مجازات شده است. این تحول شکل در مجازات تا حدود زیادی ناشی از تغییر در اولویت های اهداف مجازات یا تکمیل این اهداف است.

در نظام کیفری قدیم تنها هدف مجازات ایجاد رعب و وحشت بود، به همین دلیل مجازات ها بیشتر به صورت زجر دادن در منظر عموم بود و مجازاتی که همگان شاهد آن نبودند معنایی نداشت [۴]. اگرچه این نحوه مجازات از منظر دورکیم بیش از آنکه کارکرد رعب و وحشت داشته باشد، ناظر به تأمین هدف دیگری است که همان تقویت همبستگی اجتماعی از طریق ارضای وجدان جمعی است [۵]. بنابراین، هر قدر وجدان جمعی قوی تر باشد، خشم عمومی بر ضد جرم حادثتر است [۵]. در این نظام کیفری، زندان جایگاه ویژه ای ندارد و طبعاً مجازات ها، علی الاصول، بدنی و تعذیبی اند، و حتی عنصر تعذیب یک رکن مجازات است. به طوری که قتل مجرم همراه با مراسم تعذیب است و کمتر به قتل عادی وی اکتفا می شود.

در مراحل بعد، موقعیت ارتکاب جرم و شخصیت مجرم نیز اهمیت یافت، از این زاویه هدف و کارکرد مجازات آن است که نه تنها در بزهکار شوق زندگی را برانگیزاند، بلکه به او توان زندگی کردن دهد [۴]. لذا در نظام جدید درباره فایده کیفر برای جامعه و فرد مجرم چون و چرا می شود. اگرچه هیچگاه نخستین هدف مجازات و نیز پیشگیری از وقوع جرم فراموش نشد، هدف اخیر نیز به آن اضافه گردید. در این نظام، تنبیه دو تغییر مهم می کند: اول اینکه متوجه جسم و بدن نیست، بلکه قلب و اندیشه و اراده و امیال هدف قرار می گیرد، دوم اینکه در منظر عام صورت نمی گیرد و مردم از صحنه مجازات غایب شده اند. به همین دلیل، در این نظام زندان، که آزادی فرد را سلب می کند، شیوه اصلی تنبیه شناخته شده است و مجازات بدنی و از جمله اعدام در بسیاری از کشورها لغو شده یا در عمل اجرا نمی شود [۶].

اهداف دوگانه ای که برای مجازات زندان منظور می شود، یعنی زندان برای مجازات و زندان همچون شیوه اصلاحی، به ندرت با یکدیگر جمع شده اند، چرا که زندان، به دلیل ساختارش، معمولاً غیر عادلانه با زندانی رفتار میکند و در نهایت، موجب افزایش کینه زندانی نسبت به عدالت و قانون می شود و حتی ممکن است موجب بیگانگی بیشتر فرد با جامعه و در نتیجه مقدمات افزایش ارتکاب جرم شود. به قول فوکو، به جای آنکه زندان برای اجرای قوانین و آموزش احترام به قوانین در نظر گرفته شود، تمامی عملکرد آن بر وجه سوءاستفاده از قدرت جریان پیدا میکند [۴]. به عبارت دیگر، می توان گفت که زندان

موجب تشدید آن چه لمرت انحراف ثانویه مینامد میگردد. دلیل اصلی این ناکارآمدی برای اصلاح زندانی در ماهیت اساسی زندان نهفته است که در آن وظیفه نگهداری مقامات زندان بر سایر اهداف ترجیح دارد، و زندان به تعبیر گافمن مؤسسه ای تام است، یعنی محل اقامتی است که در آن زندانیان برای مدت معینی از عمر خود زیر نظارت تقریباً مطلق مقامات اداری قرار دارند. گافمن استدلال می کند که ماهیت اساسی مؤسسه تام به گونه ای است که مشکلات موجود ساکنان خود را تشدید می کند و در درازمدت مسئولیت های اجتماعی بهنجاری را که بر عهده آنان است دشوارتر می نماید [۷]. دوگانگی مذکور خود را به گونه دیگری نیز نشان می دهد. اگر زندان ها برای افراد به صورت مکان هایی ناخوشایند در آیند، احتمالاً به بازداشتن متخلفان بالقوه از ارتکاب به جرم کمک می کنند. اما دستیابی به هدف های بازپروری از زندانی شدن زندانیان را بی نهایت دشوار می کنند [۱۲]. در واقع، شاید بتوان گفت که دستیابی به دو هدف اصلاح و مجازات، به طور همزمان، در عمل ممکن نیست [۱۱]. حتی برخی تحقیقات اخیر در پی اثبات این هستند که تدابیر اصلاحی - درمانی، در مقایسه با اجرای مجازات های کلاسیک، نتایج بهتری در زمینه پیشگیری از تکرار جرم به دست نمی دهد [۱۰]. از این رو، برخی دیگر از این تفکر دفاع میکنند که اصلاح زندان باید همچون هدفی جنبی، ولی مطلوب، باقی بماند، زیرا اگر هدف اصلی مجازات در نظر گرفته شود، نظریه اصلاح خدشه دار می شود و به نتایج مطلوب نخواهد انجامید [۹].

به همین دلیل، در دهه های گذشته، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، دیدگاه جدیدی با عنوان جنبش دفاع اجتماعی تقویت شده است. این دیدگاه در نقد نظام موجود کیفری و مخالفت با تکیه صرف بر جنبه حقوقی کیفر شکل گرفته است [۶]. حتی برخی خواهان تغییر عنوان قانون کیفری به دفاع با حمایت اجتماعی و طالب متروک شدن لفظ کیفر شده اند [۸]. در نتیجه این دیدگاه هاست که اکنون شیوه های جدید کیفری از قبیل حبس خانگی، آزادی با قید التزام، محکومیت تعلیقی، امکان مرخصی های زیاد و ... رواج بیشتری پیدا کرده است. ضمن این که به مسئله جرم زایی زندان همچون موضوع مهمی در مطالعات آسیب شناسانه توجه شده است و قسمتی از دستور کار کنگره مهم جرم شناسی ۱۹۵۰ پاریس را به خود اختصاص داده است [۶].

۳- چارچوب مفهومی

برای درک تأثیر زندان در ارتکاب مجدد به جرم، لازم است که اولاً، دیدگاه خود را درباره مبانی و علل بروز رفتار مجرمانه مشخص کنیم؛ ثانیاً، عوامل و متغیرهای اصلی زندان را بشناسیم؛ سپس تأثیر این عوامل را در آن مبانی و علل بروز رفتار مجرمانه مجدد در فرد زندانی تعیین کنیم.

فرض اساسی تحقیق حاضر این است که رفتار مجرمانه رفتاری عقلانی است. این فرض را در مورد ارتکاب مجدد جرم پس از زندان بیشتر می توان پذیرفت، زیرا اولین جرم ممکن است واکنشی باشد، ولی در ادامه احتمالاً تبدیل به کنش می شود و تحت تأثیر موقعیت اجرا می شود. بر این مبنا، چنین نیست که افراد صرفاً به سوی فعالیت های تبهکارانه رانده شوند، بلکه فعالانه دست زدن به این اعمال را انتخاب و فکر میکنند که ارزش خطر کردن را دارد [۱۲]. بنابراین، باید منافع و هزینه های

3RD NATIONAL CONFERENCE ON JURISPRUDENCE, LAW AND ISLAMIC SCIENCES

ارتکاب جرم را از دیدگاه عامل رفتار، شناسایی و سپس تعیین کرد که زندان چه تغییری در منافع و هزینه های مذکور ایجاد میکند و آیا سود یا زیان خالص را برای ارتکاب جرم افزایش میدهد یا کاهش؟

به طور کلی، عواملی که موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم می شوند دو دسته اند: عواملی که منافع خالص ارتکاب جرم را افزایش میدهند و عواملی که از هزینه های خالص آن میکاهند، و، در نتیجه، موقعیت، فرد را به سوی ارتکاب جرم تغییر می دهند. این عوامل را می توان از جهت دیگری نیز به دو گروه عوامل ذهنی و درونی و عوامل عینی و بیرونی تقسیم بندی کرد.

عوامل ذهنی و درونی در برگیرنده مواردی است مانند بی اعتمادی به قانون حاکم و دستگاه قضایی، بی اهمیت جلوه کردن مجازات زندان که بناست عامل بازدارنده باشد و اکتساب توجیهاتی منطقی برای دفاع از ارتکاب جرم. عوامل عینی و بیرونی در برگیرنده مواردی است مانند از هم گسیختگی خانواده، طرد اجتماعی، بیکاری و از دست دادن شغل و درآمد، افزایش دوستی با بزهکاران و پیدا کردن گروههای مرجع جدید، و آموزش و یادگیری فنون ارتکاب جرم بخشی از این عوامل منافع را افزایش می دهد و بخشی دیگر از هزینه های ارتکاب جرم میکاهد. در مجموع، می توان مدعی شد که زندان از جهات مختلف ممکن است موجب افزایش احتمال ارتکاب مجدد جرم شود، زیرا زندان ممکن است شکاف میان حقوق موضوعه و حقوق اشراقی با شهودی را تشدید کند، شکاف میان اهداف و ابزار مشروع را افزایش دهد، موجب تغییر در گروه های مرجع و وابستگی های فرد به دیگران، اعم از وابستگی های فکری و اخلاقی (دانش ها، باورها و ارزش ها) و وابستگی های رابطه ای و مادی شود، موجب برچسب اجتماعی شود، و خلاصه در هر سه حوزه حقوقی، اجتماعی و روانشناختی در زندان تأثیر بگذارد و موقعیت فرد را برای ارتکاب جرم معینی تغییر دهد.

۴- طرد اجتماعی

مفهوم طرد اجتماعی گرچه در محافل سیاست گذاری به نحو گسترده ای به کار می رود، اما در محافل علمی و مباحث مرتبط با رفاه اجتماعی مفهوم پرداززی و ارائه تعریفی واحد در مورد طرد اجتماعی همچنان بحث برانگیز است. تعریف و کاربرد این مفهوم تحت تأثیر ایدئولوژیها و سیاست هایی است که این پدیده را توصیف می کنند. به گفته سیلور، انتخاب یک تعریف به معنای پذیرش مفروضات نظری و ایدئولوژیکی ملازم با آن است. هم چنین بافت فرهنگی ای که طرد اجتماعی در آن تعریف می شود، باعث شکل گیری بحث درباره پیوندهای میان رژیم های رفاهی و تعاریف طرد اجتماعی می گردد. دشواری تعریف طرد اجتماعی جدا از خاستگاه های فرهنگی آن نیست [۱۳]. با وجود این، با مرور آثار نوشته های طرد و تعاریف ارائه شده می توان موقتا به تعریفی مشخص دست یافت.

طرد اجتماعی عبارتست از محرومیتی طولانی مدت که به جدایی از جریان اصلی جامعه می انجامد [۱۴]؛ فرایندی که در نتیجه آن افراد و گروههای اجتماعی معینی از اجتماع طرد و به حاشیه رانده میشوند [۱۵]؛ اما این تعریف همچنان که پیداست برای تشخیص «آنچه» اشخاص مطرود از آن طرد شده اند کافی نیست، می بایست به موضوعات و مسائل مربوط به آن نیز

اشاره کرد. طرد اجتماعی زمانی رخ می دهد که افراد یا گروهها از مسائلی نظیر بیکاری، تبعیض، مهارتهای کم، درآمد پایین، بیماری، از هم پاشیدگی خانوادگی و رنج می برند.

بنابراین طرد محرومیتی چند وجهی نیز هست. به گفته والکر، مفهوم فقر، به کمبودهای اقتصادی تقلیل یافته است، در حالیکه مفهوم طرد اجتماعی برای فهمیدن و سنجیدن رابطه افراد با حوزه های متفاوت جامعه به کار میرود. طرد به عنوان یک صورت بندی جامع تر، اشاره دارد به فرایند پویای ممانعت از ورود کامل یا جزئی، به هر گونه نظام اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی که انسجام اجتماعی شخص در جامعه را تعیین می کند [۱۴]. در برنامه سوم ضد فقر اتحاد اروپا، طرد اجتماعی بر حسب ناکامی یکی یا بیش از یکی از چهار نظام زیر تعریف شده است: نظام دموکراتیک و قانونی که انسجام و یکپارچگی مدنی را تحقق می بخشد، نظام رفاهی که انسجام اجتماعی را پیش می برد، نظام خانواده و اجتماع محلی که انسجام بین فردی را محقق می کند و بازار کار که یکپارچگی و ادغام اقتصادی را ممکن می سازد [۱۴]. طرد اجتماعی بر حسب مؤلفه های «مشارکت»، «حقوق شهروندی»، «دسترسی به فرصتها»، «قدرت» و «شبکه اجتماعی ضعیف» تعریف و مشخص میشود.

امروزه با توجه به افزایش جرایم در جامعه یکی از عوامل مؤثر بر طرد اجتماعی یک فرد از طرف جامعه همان برچسب جرم به اوست، ذهنیت جامعه از جرم و مجرم یک ذهنیت مناسب نیست و همواره جامعه سعی در مطرود کردن مجرم داشته است. همکاری و همفکری نکردن جامعه با یک مجرم، نپذیرفتن او در جمع، نپذیرفتن او در یک شغل و... اینها جمله عواملی هستند که باعث طرد مجرم از محیط اجتماعی و زمینه ساز ارتکاب مجدد جرم میشود.

مفهوم طرد اجتماعی به عنوان نتیجه گسیختگی در روابط اجتماعی و فقدان نهادهای ادغام گر، ریشه در نظریه اجتماعی دورکیم دارد. مسئله کانونی دورکیم در ابتدای قرن بیستم گذر از جامعه کشاورزی به جامعه صنعتی و بی نظمی های اجتماعی حاصل از آن بود. دورکیم برای تبیین آشفتگیها و نابسامانی هایی که در دوران وی پایه های اخلاقی و اجتماعی همبستگی در جامعه را تضعیف کرده بود، نظریه همبستگی خویش را ارائه کرد. وی در طرح آراء خود سخت متأثر از جنبش فکری جمهوری خواهی و سنت روشن اندیشی فرانسه به ویژه آراء روسو در باب مفهوم اراده عمومی بود. طبق این مفهوم، جامعه همان تجلی همبستگی اجتماعی است و این در تقابل با نظر فایده گرایان بود که جامعه را مبتنی بر نفی شخصی اقتصادی می دانستند و با نظر هابز نیز در تضاد بود که اساس جامعه را اطاعت شهروندان از فرمانروای سیاسی میدانست. دورکیم هم چنین در بیان دیدگاه های خود مبنی بر وابستگی فرد به جامعه و نقش نهادهای اجتماعی در پیوند دادن فرد به جامعه از افکار اندیشمندان سنت پرست نظیر دوبونالد و دومیستر تأثیر پذیرفته بود [۱۶].

به نظر دورکیم بحران جامعه جدید همانا از هم پاشیدگی اجتماعی و ضعف پیوندهایی است که فرد را به گروه مربوط می کند. جوامع جدید به سبب گذار و تحول ناقص از همبستگی مکانیکی به سمت همبستگی ارگانیکی بعضی علائم بیمارگون بروز میدهند که اهم آن نارسایی جذب شدن و ادغام فرد در اجتماع است [۵] وی از دو نوع خود کشی خودپرستانه و آنومیک در دنیای مدرن نام می برد که ریشه های مشترکی دارند. هر دو محصول تغییرات اجتماعی هستند که به زوال همبستگی مکانیکی انجامیده است. از آنجا که جامعه منبع نظم اخلاقی است می توان فرض کرد افرادی که به اندازه کافی در گروه های اجتماعی ادغام نشده اند خود را در وضعیت بی هنجار می یابند [۱۲]. هرگاه انسان از جامعه اش بر کنار افتد و به امیال شخصی اش واگذار شود و پیوندهایی که پیش از این او را به همگنانش وابسته می ساختند سست گردند او برای خودکشی

خودخواهانه یا فردگرایانه آمادگی می یابد و هرگاه وجدان جمعی و تنظیم های هنجار بخش رفتار سستی گیرند و از همین روی نتوانند تمایلات انسانها را مهار و راهنمایی کنند، آنها برای خودکشی نابهنجار آمادگی پیدا می کنند [۱۶].

۵- عوامل خانوادگی و اجتماعی

برنامه هایی که میتواند در اصلاح و تربیت زندانیان و نو توانی آنها دخیل باشد، افزایش و ارتقاء سطح دانش، مهارتهای فردی و اجتماعی، حرفه آموزی، تخصص، آگاهی و بینش نسبت به شخصیت و نفس خود و برقراری رابطه سالم با خود و محیط پیرامون، خانواده و جامعه ای که در آن زندگی می کند، می باشد. بزهکاری که دچار تحول شخصیت شده و اندیشه و تفکر او معنوی و سازنده گردد، بدون شک به سوی زندگی اجتماعی گرایش می یابد [۱۷]. از جمله عوامل عمده ای که می تواند در بازپروری و بازسازی شخصیت و تفکر و نگرش زندانیان نسبت به جامعه پیرامون، خانواده و ... موثر باشد. نیروی انسانی کارآمد جهت برقراری ارتباط متقابل زندانی با محیط بیرون، خانواده و جامعه، مراقبت بعد از خروج، عفو و بخشودگی، مرخصی، اشتغال به کار زندانیان، حمایت مالی و شغلی پس از آزادی از زندان، نوع برخورد اطرافیان و حذف برچسب اجتماعی می باشد [۱۷]. با توجه به علل و عوامل گوناگون و موثر بر بازگشت زندانیان به جامعه و اهمیت این مساله، اصول و راهبردی بسیار کلان را نسبت به امر اصلاح و تربیت و الگوهای پیشرفته بازگشت سعادت مندانه زندانیان را مورد بررسی قرار میدهیم، به شکلی که تصویر کلی از برنامه های مورد نظر خود را ارائه داده باشیم. بدون شک تدوین یک ساختار تشکیلاتی زندانبانی جهت ایجاد زمینه لازم برای افزایش امید به بازگشت در میان زندانیان متضمن مباحث بسیار متنوع و گوناگون اداری، نیروی انسانی، مراکز نگهداری مجرمان، شکل های آنها، برنامه های اصلاحی و تربیتی، شیوه اجرای آنها و از همه مهم تر، ویژگی های فردی اجتماعی و شخصیتی افراد است، به همین منظور برآنیم تا علل و عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی که بر امید به بازگشت زندانیان به جامعه موثر می باشند را شناسایی و با ارائه راهکارهای علمی و کاربردی زمینه لازم را جهت بالا بردن امید به بازگشت زندانیان به جامعه را فراهم آوریم.

نقش مراکز مراقبت پس از خروج زندانیان در پیشگیری از تکرار جرم از این جهت مهم است که زندانیان پس از آزادی با مشکلات زیادی رو به رو می شوند. عدم توجه خانواده در حمایت از زندانیان آزاد شده یا ناتوانی در حمایت از آنان، طرد و اخراج از محل کار و محیطهای مناسب دیگر، عدم توفیق در یافتن شغل مناسب و بسیاری از معضلات دیگر سبب می شود که زندانیان موقعیت اجتماعی، شغلی و اقتصادی سابق خود را از دست بدهند و از همین رو اغلب آنان به ارتکاب مجدد جرم و پناه بردن به محیطهای نامناسب و دوستان ناباب روی می آورند. قطعاً وجود یک موسسه پس از تحمل حبس که آنان را مورد حمایت و مراقبت قرار دهد، بسیاری از معضلات ذکر شده را رفع خواهد کرد. بنابراین در نظام های زندانبانی برای اثربخشی برنامه های اصلاحی، اصل مداخله تعقیبی پس از آزادی از زندان پذیرفته شده است. به همین منظور راه اندازی مراکز مراقبت بعد از خروج به صورت یک نهاد رسمی و اجتماعی و ارائه خدمات و حمایت های لازم به مددجویان از سوی این مراکز گام مثبتی برای زندانبانی نوین محسوب می شود. در ایران آمار خروج از زندان در طی یک سال در حدود ۹۰ درصد است. جز محکومین به قصاص نفس، بقیه زندانیان در طی ماهها و سال ها از زندان خارج می شوند. به عنوان مثال در استان تهران به علت مدت کوتاه حبس در اکثر موارد به طور متوسط زندانیان قریب ۹۰ روز در زندان می مانند. با توجه به این جریان دایمی

اجتماع زندان و نرخ بازگشت مجدد به زندان که حدود ۳۳ درصد و اغلب در جرایم مربوط به مواد مخدر و سرقت است، جلوگیری از بازگشت مجدد زندانیان از اولویتهای مهم اصلاحی و تربیتی محسوب می شود. در زندان تبریز در طی سال ۹۳ نزدیک به ۱۱۴۰۰ نفر از زندان آزاد شده اند. در کشور بر اساس آمار سال ۱۳۹۳ تعداد ۴۱۷۹۲۲ نفر از زندان آزاد شده اند. نرخ بازگشت به زندان در ایران در طی یک سال نخست پس از آزادی، نزدیک به ۳۰ درصد است که علت آن مدت کوتاه حبس، تکرار جرایم در مورد مواد مخدر و سرقت و این که یک نفر در یک سال ممکن است ۲ تا ۴ بار زندانی شود، می باشد، مطابق بررسی ها یک زندانی حداقل در روز ۵۵۰۰۰ ریال هزینه دارد. این هزینه مربوط به هزینه - های مستقیم است و هزینه های غیرمستقیم و هزینه های جامعه در آن لحاظ نشده است. هر بار ورود به زندان برای یک زندانی هزینه های زیادی در بر دارد که در طی روزهای باقی مانده از حبس، هزینه ها کمتر می شوند. به عبارت دیگر اهمیت مالی روزهای اول بیشتر از روزهای باقی مانده حبس است. نظارت بر بزهکاران پس از آزادی از زندان سطح امنیت اجتماعی را بالا می برد. در عمل افرادی که پس از آزادی به مراکز مراقبت مراجعه می کنند و از خدمات آنها بهره مند می شوند، نرخ بازگشت مجدد به زندان در آنان پایین تر است. صرف نظر از علل ذکر شده، نرخ بازگشت به زندان براساس برآوردها ۲۵ تا ۳۵ درصد است در حالی که این میزان نزد مددجویان مراجعه کننده به مراکز مراقبت ۱ تا ۳ درصد برآورد شده است که بسیار کمتر از مددجویانی است که تحت مراقبت نبوده اند. نقش مراکز مراقبت در اصلاح و تربیت مددجویان زمانی که شخص مرتکب عمل خلافی می شود جرم شناس، روان شناس و جامعه شناس سعی می کنند تا با تمرکز بر شخصیت مجرم به تدریج تغییری در عملکرد و زندگی آینده مجرم ایجاد کنند. مطالعات علمی مرتبط با جرم شخصیت، مجرم را مورد کالبد شکافی قرار میدهد تا آن چه را که مسئولیت اخلاقی وی را تضعیف کرده شناسایی کرده، وی را به جامعه و زندگی اجتماعی باز گردانند. از این رو وضع جسمانی، روانی، هوش، سوابق بیماری، ناکامیها، وضع اقتصادی، نقش رسانه ها و وضعیت اجتماعی و فرهنگی که مجرم را احاطه کرده اند مد نظر قرار می دهد تا از این رهگذر عوامل موثر بر ارتکاب جرم کشف و بررسی شوند. رسالت و وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است. تامین اجتماعی و بهداشت روانی، آموزش و نیز آماده سازی مددجویان جهت بازگشت مجدد به جامعه، کسب معاش و تقویت اراده زندانیان برای جلوگیری از تکرار جرم از جمله است. با توجه به دیدگاه منفی مردم نسبت به زندانیان، معمولاً زندانی پس از بازگشت از زندان به علت حس بدبینی موجود در جامعه، به آسانی در میان گروه های اجتماعی و کاری پذیرفته نمی شود و صاحبان مشاغل حاضر به ارجاع کار به این افراد نیستند. این سوء پیشینه از موانع مهم عدم اشتغال مجدد زندانیان و عامل سرخوردگی اجتماعی و نیز عامل تمایل مجدد آنان به ارتکاب جرم است. حس انتقام جویی از اجتماع به علت طرد کردن این افراد نیز به عوامل فوق اضافه میشود. بنابراین مجرمان پس از ترخیص از زندان نیاز به پشتیبانی و حمایتهای سازمان یافته ای دارند تا دوباره به سمت جرم کشیده نشوند. این سازمانها که مسئولیت اصلاح و حمایت از زندانی آزاد شده و ارائه امکانات و تسهیلات به وی را دارند با عنوان مراکز مراقبت پس از خروج به انجام این وظایف میپردازند. جلسات منظم هفتگی، جلسات تحلیل مساله، جلسات بررسی موردی، آموزش از طریق فیلم، اینترنت، دوره های کوتاه مدت آموزشی، تغییر در مقاطع تحصیلی مددکاران و اخذ مدارک بالاتر، برنامه های آموزشی، دوره های کوتاه مدت بازدید از مراکز مختلف مشابه در کشورهای مختلف و ... از جمله روش هایی است که می تواند مرکز مراقبت بعد از خروج را به توفیقات بیشتر برساند و کارایی آن را در حد چشمگیری افزایش دهد. حبس افراد، هزینه های هنگفتی در نگهداری و زندانی کردن شان به بودجه عمومی تحمیل می کند. اینها هزینه های آشکاری است که قابل توجه و مشهود است. هزینه - های فراوان پنهان نیز در این جریان از دست می رود. برای مثال وقتی یک نیروی انسانی که می تواند منشاء خدمات تولیدی و

توسعه ای باشد، با ارتکاب جرم و گرایش به انجام بزه به فردی عاطل و باطل و مخل رفتارها و روابط اجتماعی تبدیل می شود. جامعه از فوایدی که می توانست از طریق وی به دست بیاورد، بهره مند نمی شود. هزینه های زیادی صرف می شود تا نیروی پلیس و دستگاه قضایی این افراد را تحت کنترل خود در آورند. ساعت های متمادی و روزهای پیاپی صرف می شود تا پرونده های مجرمین در دادگاهها، به نوبت مورد بررسی قرار گیرند. انرژی انسانی فراوانی در یافتن راههای مقابله با بزهکاران مصرف می شود. در واقع نظام گسترده ای در یک جامعه هماهنگ و در کنار یکدیگر بسیج می شوند تا مانع ارتکاب جرم شوند و یا آن را کنترل کنند. در واقع می توان گفت به جای آن که این نیروها در جهت توسعه جامعه صرف شوند در مسیر باز داشتن مجرمین از ارتکاب جرم صرف می شوند بدیهی است. در جامعه در حال توسعه مانند ایران، به کارگیری نیروهای انسانی در جهت توسعه کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. به همین دلیل، لازم است طرح هایی اجرا شوند که بر اساس آنها مجرمین ضمن تغییر رفتار و تبدیل شدن به افرادی سالم و سازگار با جامعه، به نیروی تولیدگر و خلاق نیز بدل شود و بتوانند در مسیر توسعه کشور مفید واقع شوند. ارائه خدمات به مددجویان از سوی مراکز مراقبت بعد از خروج به منظور پیشگیری از جرم زمانی موثر است که شناسایی افراد واجد شرایط به درستی و با ابزارهای مناسب انجام شود. بر اساس ماده یک آیین نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از تکرار جرم از طریق حمایت مادی و معنوی و فراهم کردن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی به این مراکز محول شده است. هم چنین در ماده ۳ این آیین نامه، اهم وظایف مراکز مراقبت بعد از خروج مشخص شده است. از جمله وظایف این مراکز ایجاد زمینه لازم جهت کار آموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تامین مسکن، اعطای تسهیلات بانکی و ارائه خدمات به مددجویان در امور آموزشی، بهداشت و درمان، اجتماعی، حقوقی، فرهنگی و مذهبی می باشد.

۶- نتیجه گیری

به طور کلی، می توان گفت که مطالعه حاضر مؤید چارچوب مفهومی انتخابی آن است. به این معنا که ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم به شکل مشهودی به موقعیت و ارزیابی هزینه و فایده فرد نسبت به آن وابسته است. از آن جا که زندان، به عنوان اصلی ترین مجازات، یکی از اقلام عمده و رسمی هزینه ارتکاب جرم است و در کنار آن هزینه های دیگر مثل از دست دادن شغل یا موقعیت شغلی، طرد اجتماعی و ... وجود دارد، می توان گفت که در اولین مرتبه زندانی شدن فرد، بخش قابل ملاحظه ای از این هزینه پرداخته می شود و برای دفعات بعد، از هزینه های ارتکاب مجدد جرم کاسته می شود. به علاوه، حضور در زندان ممکن است منافع ارتکاب مجدد جرم را برای زندانی افزایش دهد، زیرا با یادگیری شگردهای ارتکاب جرم، بدون مجازات قانونی، آشنایی با افراد جدید و راه های فرار از مجازات امکان پذیر است.

چگونگی تأثیرات فوق بستگی به عوامل متعددی از جمله محیط زندان، نوع مدیریت، امکانات داخلی زندان و متغیرهای فردی دارد. برخی از این متغیرها عموماً تأثیرات مثبت و در جهت همنوایی با جامعه در زندانی می گذارد، مثل امکانات مددکاری، ملاقات، مدیریت ارشادی و ... برخی دیگر، برحسب موقعیت زندانی، در وی تأثیرات مثبت یا منفی دارد، مثل امکانات فوق برنامه و امکانات غذایی، و انواع طبقه بندی ها...

همچنین به نظر می رسد که استفاده از یک محیط معین با نتایج مشترک به نام زندان برای تمامی جرایم درست نباشد، به ویژه در مورد زندانیانی که جرایم آنها کوچک است، یا در مرز خلاف و جرم قرار دارد. با اطمینان، می توان گفت که بیشترین افزایش در کیفیت جرم ارتكابی پس از اولین بار زندانی شدن برای این گروه رخ می دهد.

ورود به زندان موجب بدتر شدن سطح زندگی نیز می شود، به همین دلیل، برای افرادی با سطح زندگی پایین تر، منافع ارتكاب جرم معین نسبت به قبل افزایش پیدا می کند. زندان به عنوان یکی از شیوه های مجازات و مقابله با جرم از لحاظ تعامل با مجرم نوعی فرایند تجمعی محسوب می شود. در این فرایند ستانده های نظام دارای آثار برگشتی در این نظام است و سبب تشدید مشکلاتی می شود که برای حل آنها ایجاد شده است. مثلا، مردان مجرد، به علت تحمل هزینه کمتر، بیشتر مرتکب جرم می شوند. در عین حال، ارتكاب جرم و زندانی شدن مرد مجرد موجب طرد اجتماعی وی می شود و احتمال ازدواج مطلوب را برای او کم می کند. حتی در مواردی مشاهده شده که ازدواج های از قبل تعیین شده نیز بر اثر زندانی شدن فرد لغو گردیده است. در نتیجه، چنین فردی اجبارا دوران بیشتری را در حالت مجرد به سر خواهد برد که همین خود سبب افزایش احتمال ارتكاب مجدد جرم خواهد شد.

تأثیر زندان در پذیرش خرده فرهنگی مجرمانه از طرف زندانی نسبتا قابل توجه است، اگرچه این موضوع تا حدود زیادی ناشی از تغییراتی است که در حوزه های عینی مانند طرد اجتماعی یا از دست دادن شغل حاصل می شود.

طرد اجتماعی نیز از جمله هزینه های غیر رسمی است که گریبان فرد مجرم و زندانی را می گیرد و هرچه این طرد قوی تر باشد، امکان ارتكاب جرم را کم می کند. ولی مشکل از آنجا ناشی می شود که طرد مجرمان موجب کاهش هزینه و افزایش منافع ارتكاب مجدد جرم نزد آنان می شود. از دست دادن شغل، پس از آزادی از زندان، نیز چنین وضعیتی دارد. زندانیان آزاد شده به علت بیکاری گرایش بیشتری به ارتكاب مجدد جرم می یابند. ضمن این که، در صورت پیدا کردن شغل، ویژگی های شغل آنان به گونه ای است که حساسیت زیادی نسبت به زندان رفتن ندارند و همین باعث کاهش هزینه ارتكاب جرم می گردد.

منابع

۱. گیدنز، آ. (1386). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی، چاپ نوزدهم، ۱۳۸۶
۲. حاتمی خواجه، ن. (1386). جامعه پذیری زندانیان. مجموعه مقالات اولین همایش بین المللی کاهش استفاده از مجازات زندان، تهران، انتشارات راه تربیت.
۳. آشوری، م. (۱۳۸۲)، جایگزین های زندان یا مجازاتی بینابین. تهران: نشر گرایش، چاپ اول
۴. فوکو، میشل (۱۳۷۸)، مراقبت و تنبیه (تولد زندان)، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننده، تهران، نشر
۵. ارون، ریمون (۱۳۶۳)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، سازمان
۶. آنسل، مارک (۱۳۵۶)، مجازات اعدام، ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، آگاه.

۷. رابرتسون، یان (۱۳۷۲)، درآمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، آستان قدس رضوی.
۸. حسینی نژاد، حسینقلی (۱۳۷۰)، «دفاع اجتماعی با نظری کوتاه درباره حقوق کیفری» مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شماره ۹، شدت
۹. کلارکسون (۱۳۷۱)، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میر محمدی صادقی، تهران، جهاد دانشگاهی شهید بهشتی
۱۰. گسن، ریموند (۱۳۷۱)، بحران سیاست های جنایی کشورهای غربی، ترجمه علی حسینی نجفی ابرندآبادی، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، شماره ۱۰، صص ۲۳۷ - ۲۷۵
۱۱. فتاح، عزت، (۱۳۷۱)، از سیاست مبارزه با بزهکار تا سیاست دفاع از بزه دیده، ترجمه سوسن خطاطان و علی حسینی نجفی ابراند آبادی، مجله قضایی و حقوق دادگستری، تهران، شماره سوم، صص ۱۱۲ - ۸۵.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه شناسی، ترجمه منوچهر شیبوری، چاپ اول، تهران، نشر نی
۱۳. هال آنتونی، میجیلی جیمیز (۱۳۹۲)، سیاست اجتماعی و توسعه، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران، جامعه شناسی
۱۴. نصر اصفهانی، آرش (۱۳۹۰)، ریشه های طرد اجتماعی: مطالعه کارتن خوابی در تهران با استفاده از روش تئوری مبنایی
۱۵. بلیک مور، کن (۱۳۹۲)، مقدمه ای بر سیاست گذاری اجتماعی، ترجمه علی اصغر سعیدی
۱۶. کوزر، لیوئیس (۱۳۹۳)، زندگی و اندیشه ی بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی
۱۷. شمس، علی (۱۳۸۲) رویکردی جدید به نظام زندانبانی بازگشت سعادتمندان. تهران: انتشارات راه تربیت